

سلفیت جهادی
در عربستان سعودی

پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق

www.ketab.ir

سرشناسه:	ابراهيم، فواد Ibrahim, Fuad
عنوان فرارادادی:	المسألة الجهادية في السعودية. فارسی
عنوان و نام پدیدآور:	سلفیت جهادی در عربستان سعودی / نویسنده: فواد ابراهیم؛ تصنیف: پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)؛ مترجم: علی رضا فرازی؛ انتشار: حسین قاسم حمزه؛ ویراستار: فاطمه اکبری؛ واپایش نهایی: سید مرتضی حسینی فاضل
مشخصات نشر:	قم: پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری:	۳۱۲ ص.
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۲۴۶-۴۹۲-۰
وضعیت فهرست نویسی:	۱۸۵۰۰۰ ریال، ۰۰-۴۹۲-۲۴۶-۹۶۴-۹۷۸
یادداشت:	فیبا
موضوع:	کتابخانه
موضوع:	سلفیه -- عربستان سعودی
موضوع:	Salafiyah -- Saudi Arabia
موضوع:	سلفیه -- عقاید
موضوع:	Salafiyah -- Doctrines
موضوع:	وهابیه -- عربستان سعودی -- جنبه های سیاسی
موضوع:	Wahbiyah -- Political aspects -- Saudi Arabia
شناسه افزوده:	فرازی، علی رضا، ۱۳۶۵-، مترجم
شناسه افزوده:	پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)
رده بندی کنگره:	۱۳۹۵ س ۲ ۸۰۴۱ الف ۲۳۸۱ BP ۵
رده بندی دیویی:	۴۱۶/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی:	۴۵۱۳۷۵۲

سلفیت جهانی در میان سعودی

تهیه کننده:	پژوهشگاه علمی امام صادق (ع)
نویسنده:	فواد ابراهیم
مترجم:	علیرضا نوری
ناظر فنی:	حبیب یوسفعلی
سر ویراستار:	حسین قاسم حمز
ویراستار:	فاطمه اکبر
ویرایش نهایی:	سیدمرتضی حسینی فاضل
صفحه آرا:	مسلم خسروی
طراح جلد:	معجبتی صادقی
ناظر چاپ:	علی رضاوند
چاپ:	آبنوس
نویت و تاریخ چاپ:	اول/ زمستان ۱۳۹۵
شمارگان:	۵۰۰
قیمت:	۱۸۵۰۰ تومان
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۲۴۶-۴۹۲-۰

فهرست مطالب

۹.....	مقدمه پژوهشگاه
۱۳.....	مقدمه
فصل دوم: وهابیت و سیاست	
۱۷.....	اوضاع نجد، پیش از وهابیت
۱۸.....	ایدئولوژی وهابیت: دین و حکومت
۱۹.....	پیمان وهابی - سعودی
۱۹.....	الف - ماهیت پیمان
۲۳.....	ب - نقش محمد بن عبدالوهاب
۲۵.....	پیمان سرنوشت ساز
۲۶.....	آرمان شهر «امارت اسلامی»
۲۸.....	مانویت وهابی
۳۳.....	امارت اسلامی نجد
۳۷.....	برپایی حکومت سعودی و سقوط امارت اسلامی
۳۸.....	ابن سعود یا وهابیت، کدام یک از دیگری استفاده کرد؟
۴۱.....	علما و ابن سعود در حکومت سوم سعودی (۱۹۰۲-۱۹۳۲م)
۵۲.....	حکومت ... نماینده دین یا جامعه؟

فصل دوم: سلفیت و نوگرایی

۶۷.....	مدرنیسم، میدان رویارویی دین و حکومت
---------	-------------------------------------

۷۰	 علما و نوگرایی
۷۶	 علما و سیاست

فصل سوم: رویارویی سلفیت و حکومت سعودی

۸۱	 اپوزیسیون سلفی در خارج از عربستان سعودی
۹۳	 زمینه‌های افراط‌گرایی سلفیت
۹۹	 انجام گسیختگی مراکز تبلیغ دینی
۱۰۴	 حاکمیت در خانه

فصل چهارم: سلفیت جهادی

۱۱۶	 صادرات خشونت
۱۲۷	 تکثیر پیکارگرایان
۱۳۰	 فتح عراق
۱۳۵	 عراق و بازسازی پیمان
۱۳۹	 بین‌المللی کردن جهاد
۱۴۸	 نفوذ خشونت‌ورزی سعودی به آن‌سوی مرزها
۱۵۴	 بهشت جهادگرایان
۱۵۷	 بُعد پنهان ایدئولوژیک در «غزوة الخُبر»
۱۶۱	 پیام‌های دینی یک بیانیه
۱۶۲	 القاعده و حکومت سعودی، آزمون مشروعیت
۱۶۵	 فروپاشی ساختار سلسله مراتب علمایی
۱۷۱	 نقد درون‌گفتمانی اندیشه جهادی
۱۷۶	 سلمان العوده، رسالتی دیگر
۱۸۲	 صدور جهادگرایی سلفی
۱۸۵	 مسئولیت حکومت
۱۸۶	 ماهیت جنگ طلبی در باور سلفیت
۱۹۲	 اللحیدان و تشویق به خشونت‌ورزی
۱۹۶	 زمینه‌های حمله به «اخوان المسلمین»
۲۰۴	 تعمیم مسئولیت
۲۱۰	 ریشه‌های دینی خشونت سیاسی

۲۱۴	۱. سطح سیاسی
۲۱۵	۲. سطح اقتصادی
۲۱۵	۳. سطح فکری
۲۱۶	۴. سطح اجتماعی
۲۱۷	نقش حکومت عربستان در خشونت‌های داخلی
۲۲۲	مدرنیسم و برانگیز
۲۲۸	اندیشه تصفیه
۲۴۲	بیانیه سریشی علیه حکومت عربستان
۲۴۵	مشروعیت کشیدن به سریشی و مباح کردن خون‌ریزی
۲۵۳	تجاوزگری یک ایدئولوژی
۲۵۹	رؤیای «امارت اسلام»

فصل پنجم: نقد گفت‌وگو سلفی

۲۶۹	گفت‌وگو دینی اعتراض آمیز
۲۷۵	کشمکش درون پیمان مقدس
۲۸۰	تغییر منابع آموزش دینی، خواسته‌ای داخلی یا خارجی؟
۲۸۵	حکومت و خلق عامل خارجی موهوم
۲۹۰	سلفیت، میان حکومت و جامعه
۲۹۲	بازنگری اندیشه جهادی
۲۹۵	عقیده انتحار
۳۰۰	حکومت سعودی، مدنی یا دینی؟
۳۰۳	سیاست آسمانی یا زمینی؟
۳۰۴	برخورد الگوها
۳۰۵	هویت حکومت
۳۱۱	نابود کردن پروژه ملی

مقدمه پژوهشگاه

سلفیت جهادی شاخه‌ای از سلفیت تکفیری و سلفیت تکفیری شاخه‌ای از سلفیت مطلق است. سلفیان جهادی ابرون بر آنکه مسلمانان جز خود را تکفیر می‌کنند، جهاد را برای برقراری حکومت اسلامی مطلوب خود واجب می‌دانند و مسلمانان را قتل عام می‌کنند. سلفیت تکفیری غیر جهادی در عین تکفیر بسیاری از مسلمانان، جهاد را واجب ندانسته و کشتار مسلمانان را روانه‌ی ملت‌ها نمی‌داند. سلفیان غیر تکفیری با ترجیح دادن معرفت دینی سلف بر معرفت دینی خود و باطل شمردن عبادت مخالفان، مسلمانان غیر خود را تکفیر نمی‌کنند و به مسلمانی آن‌ها اعتقاد دارند. بر دایره‌ی راه، سلف صالح عبارت‌اند از: صحابهٔ پیامبر ﷺ، تابعین و تابعین تابعین. توضیح بیشتر در باب سلفیت تکفیری و جهادی بدین شرح است:

تولد سلفیت تکفیری به قرن هشتم و اندیشه‌های ابن تیمیه برمی‌گردد و او نخستین کسی بود که نام سلفیت را بر قرائت خاصی از اسلام نهاد که در آن بیشتر مسلمانان از مدار توحید خارج می‌شدند و تنها تعداد اندکی، که اندیشه‌های او را می‌پذیرفتند، در دایرهٔ اسلام باقی می‌ماندند. طبیعی بود که جامعهٔ بزرگ مسلمانان و علمای اسلام از در مخالفت با ابن تیمیه برآیند و بازندان کردن او، راه تکفیر مسلمانان را ببندند. ابن تیمیه که از سویی با مسلمانان جهان در افتاده بود و از سوی دیگر، از جانب کانون‌های قدرت حمایت نمی‌شد، در عمل به موفقیت چندانی نرسید و تا پایان عمر در زندان باقی ماند.

وهابیت، به عنوان نماینده سلفیت تکفیری، از آغاز پیدایش تا کنون، با پشتیبانی مالی و سیاسی آل سعود و حمایت های بی دریغ قدرت های جهانی، به نام اشاعه توحید و مبارزه با شرک، به ترویج عقاید سطحی و نادرست، ایجاد اختلاف در جهان اسلام، تخریب آثار اسلامی و قتل عام مسلمانان پرداخته است. وهابیت هر چند خود را به عنوان مکتب توحید ناب و پاسخ گوی جهان اسلام معرفی می کند، در عمل حافظ منافع قدرت های استعماری و مانع منافع مسلمانان بوده است.

از دودنه پیش تا کنون با تولد گروه هایی همچون سپاه صحابه، طالبان و القاعده در پاکستان و افغانستان، سلفیت جهادی پا به عرصه وجود نهاد و با حمایت های آشکار و پنهان عربستان سعودی تدریجاً تقویت شد.

با پیدایش بیداری اسلامی در کشورهای اسلامی و سقوط حکومت های دست نشانده استعماری در مصر، تونس، یمن و قدرت های غربی بار دیگر به فکر چاره افتادند و با مهندسی معکوس آموزه های دینی همچون جهاد، شهادت، حکومت اسلامی و ... گروه های به ظاهر مسلمانی همچون داعش، القاعده، جیش الاسلام و ... را پایه گذاری کردند. این گروه ها به نام مبارزه با شرک و تشکیل حکومت اسلامی، در کشورهای اسلامی فتنه آفرینند و ضمن تلاش برای نابودی موج بیداری اسلامی به تضعیف جبهه مقاومت پرداختند. در این مرحله، سلفیت تکفیری با پشتیبانی گسترده مالی، رسانه ای، تجهیزاتی و انسانی جبهه ضد اسلام، به اسلام هراسی دامن زده و آب به آسیاب دشمن ریخته است. در این میان، نقش عربستان سعودی به عنوان نایب تمام قد غرب در تجهیز سلفیت تکفیری و حمایت از آن بی بدیل است. موج سلفیت اخیر را می توان سومین مرحله از مراحل رشد سلفیت تکفیری دانست.

بر اساس فرمایش پیامبر اعظم ﷺ «هر کس برای برادر مسلمان خود چاهی بگند، در آن می افتد.» این سنت الهی چندی است جامه عمل پوشیده و گروه های دست ساخته سعودی با خاستگاه خود زاویه پیدا کرده و به مقابله با آن پرداخته اند.

هر چند جبهه اسلام امریکایی - وهابی، دیر یا زود در جبهه های نظامی شکست خواهد خورد و از تمام سرزمین های مسلمانان عقب نشینی خواهد کرد، اما تفکر

اسلام امریکایی جز با افشاگری، روشنگری و تبیین اسلام اصیل ناب محمدی محو نخواهد شد.

دکتر فؤاد ابراهیم در کتاب *السلفية الجهادية في السعودية* کوشیده است با ریشه‌یابی سلفیت جهادی در عربستان سعودی و بررسی روابط در هم تنیده و پیچیده آن با حکومت سعودی و در نهایت، رویارویی مستقیم این جریان با حکومت سعودیان، گامی در راه افشاگری و تبیین پشت پرده سلفیت جهادی بردارد.

نگارنده کتاب سخن خود را با بررسی پیدایش سلفیت در چهره و هابیت سستی آغاز می‌کند و ضمن بررسی نقش جوهری آن در برپایی نظام سعودی، چالش و فراز و فرودهای موجود در روایت پیچیده سعودیان و وهابیان را تبیین می‌کند. آن‌گاه توضیح می‌دهد که چگونه غلبه جریان سیاسی آل سعود بر جریان دینی وهابیت، سيطرة آن بر ارکان حکومت و جامعه، کاهش نفوذ سیاسی جریان دینی وهابیت، گرایش آل سعود به نوگرایی و مظاهر تمدن جدید و مسائلی از این دست نارسایی وهابیان آل سعود را برانگیخت و زمینه‌ساز کشمکش‌ها و رویارویی‌هایی میان این دو جریان شد. همچنین، کتاب پیش رو با بررسی نقش حکومت سعودی در ترویج افراط‌گرایی سلفی در جهان، توضیح می‌دهد که کاهش نفوذ و سلطه سیاسی وهابیت، شدت نفوذ ایدئولوژی که آن را در جامعه سعودی کاهش نداد و سعودی‌ها برای جبران محدود شدن قدرت سیاسی این جریان در داخل عربستان و دور نگاه داشتن خود از رویارویی با این جریان، با نشر آن در گوشه و کنار جهان، آن را به بیرون از مرزهای خود صادر کردند و در تمام این مدت از آن به عنوان ابزاری برای تأمین منافع منطقه‌ای خود، به‌ویژه مقابله با انقلاب اسلامی ایران، بهره جستند. در ادامه نیز توضیح داده می‌شود که چگونه اختلافات جریان سلفی با آل سعود و نارضایتی‌اش از آن به مرحله رویارویی مستقیم انجامیده، مواجهه‌ای که عملیات‌های القاعده علیه عربستان، مقامات آن و منافعش در سال‌های اخیر و تهدیدها و تحرکات متقابل عربستان و جریانی چون داعش نمایان‌گر آن است.

امید است مطالعه این کتاب خوانندگان گرامی را در دستیابی به اطلاعات تازه و تحلیل واقع‌بینانه از رخداد‌های جاری مدد رساند.

در پایان بر خود لازم می‌دانیم از مترجم محترم کتاب، آقای دکتر علی رضا فرازی، و ناظر علمی محترم، حجت الاسلام دکتر علی عرب‌پور، صمیمانه تشکر کنیم و از خداوند بزرگ اجر بی‌پایان را برای ایشان مسئلت نماییم.

پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)

www.ketab.ir

مقدمه

از آغاز حکومت موروثی امویان، در نیمه قرن اول هجری رابطه دین و سیاست عملاً از هم گسست. این جدایی بیجان نهایی اختلاف‌های شدید میان عالمان و حاکمان بود و در پی آن عالمان، که در اصطلاح معنایش و پشتیبان این نام را بر خود نهاده بودند، ترجیح دادند که از دنیای سیاست کناره‌گیری کنند با آغاز دوران عباسیان، آموزش دینی رونق یافت و عالمان، در قالب مراکز آموزش دینی و مدرسه‌های حدیث و فقه در مدینه منوره و عراق، بار دیگر خود را مطرح کردند. در سوی دیگر، حاکمان به ویژه عباسیان، نیز برای آنکه به نظام سیاسی خود مشروعیت و به تصمیم‌ها و سیاست‌های خود اعتبار دینی ببخشند، به عالمان روی آوردند. نمونه این سیاست، تلاش‌های بی‌فایده منصور، خلیفه عباسی، است که می‌کوشید مالک را برای بر عهده گرفتن منصب «شیخ حکومت» قانع کند و قصد داشت برای تحقق این هدف، کتاب فقهی مالک، یعنی «موطأ»، ارجع شرعی مسلمانان قرار دهد. اما امام مالک، به دلیل اختلاف‌های فزاینده و چنددستگی مسلمانان این خواسته را نپذیرفت. امام ابوحنیفه نیز، که فتواهایی در حمایت از قیام علویان علیه عباسیان صادر کرده بود، با کوشش‌هایی که عالمان را پیرو حاکمان می‌کرد، سرسختانه مخالفت کرد.

به هر روی، مشاهده می‌شود که دو مذهب اسلامی با پشتیبانی حکومت و تصمیم آن در میان مسلمانان گسترش یافتند؛ یکی، مذهب مالکی در غرب جهان اسلام یعنی اندلس و

دیگری، مذهب حنفی در شرق جهان اسلام، یعنی عراق، پیروان مذهب شافعی نیز در شام و به تعبیر دقیق‌تر در سوریه و لبنان گسترده شدند.

اما امام احمد بن حنبل که دیرتر به عرصه فعالیت مذاهب وارد شد، به دلیل رویکرد اخباری‌اش که قرآن و حدیث نبوی را تنها منابع شرع می‌دانست، یکسره از عمل به اصل اجتهاد دوری جست. او هر چند نقش تعیین‌کننده‌ای در بحث‌های مرتبط با مسئله خلق قرآن داشت و در این موضوع، موضعی اعتراض‌آمیز و انتقادی در برابر دیدگاه مأمون، خلیفه عباسی، اتخاذ کرد اما بر اساس جایگاه اعتقادی و فقهی‌اش، هیچ‌گونه نافرمانی سیاسی، مدنی و مسلحانه علیه خلافت را بر نمی‌تافت و مصرانه بر اطاعت از حاکمان، چه عادل باشند و چه ستمگر تأکید می‌کرد.^۱ این دیدگاه، نه فقط آثار گسترده‌ای در میان پیروان او در دوره‌های بعد بر جای نهاد بلکه به ویژگی اصلی در مذهب حنبلی تبدیل شد. چنان که بر اساس دیدگاه اعتقادی شیخ ابن تیمیه که با فقه او نیز هماهنگی یافته بود، جدایی دین از حکومت سبب می‌شد که حکومت در هیچ و رنج و فتنه فرو رود. بر این اساس، ابن تیمیه به دیدگاهی باور داشت که اساس آن اعتقاد استوار به وحدت سیاسی جامعه اسلامی بر پایه بیعت بود، یعنی پیمانی دو سویه میان امام و مردم که ضامن حاکمیت کارآمد و مؤثر برای امام و امنیت اجتماعی و شکوفایی برای مردم باشد. با وجود این، ابن تیمیه از گزینه قیام علیه حکومت در هنگام ناتوانی آن در اجرای شریعت دست‌نکشید؛ زیرا در نگاه او مشروعیت حکومت در گرو پیروی‌اش از احکام شرع و توانایی اجرای آن بود در حالی که امام احمد بن حنبل دیدگاه دیگری داشت و بر این باور بود که باید از حاکم اطاعت نشود، چه عادل باشد و چه ستمگر.^۲

۱. این دیدگاهی است که قاضی ابویعلی محمد بن حسن فراء حنبلی از امام احمد بن حنبل نقل کرده است (الأحكام السلطانية، صححه و علّق علیه المرحوم محمد حامد الفقی، دار الکتب العلمیة، بیروت، لبنان، ۱۹۸۳م، ص ۵-۷).

۲. ابن تیمیه آورده است: «باید با هر گروهی که از پابندی به حکمی از احکام متواتر و آشکار اسلام سر باز زنند، پیکار شود تا به شریعت اسلام پایبند شوند، حتی اگر شاهدین بر زبان آورده باشند یا به بخشی از احکام شریعت پایبند باشند...» (ر.ک. مجموع فتاوی ابن تیمیه، بیروت، ۱۹۸۰م، الجزء ۲۸ (کتاب الجهاد)، ص ۱۴۰).

در پرتو آنچه که به اختصار درباره دیدگاه سلفیت در موضوع حکومت آمد، نقشه راه بسیار پیچیده‌ای برای بحث درباره سلفیت جهادی ترسیم می‌شود تا پیدایش، رشد، نمودهای سیاسی و اجتماعی آن و اشکال نافرمانی مکتبی و سازمانی این جریان، در جامعه سلفیت و در چهارچوب تعامل آن با حکومت بررسی شود.

موضوعات این بحث، به دلیل محرک‌های گفتمان سلفیت و ساز و کارهای پدید آمده برای آن تا حدودی در هم تنیده به نظر می‌رسد. از این رو، دقت و تعمق در حساس‌ترین کنگه‌ها و تارهای این گفتمان بسیار ضروری می‌نماید تا از میان آن بتوان سیر تکامل، اسباب گسترش ناگهانی و غافلگیرکننده و بازتاب‌های اجتماعی و سیاسی آن را شناخت.

بحث در این باره، از نقطه ایجاد سلفیت در چهره و هابیت سنتی آغاز می‌شود. سپس، نقش اساسی آن در به وجود آمدن حکومت سعودی و چالش‌هایی بررسی می‌شود که این جریان در سیر تکامل تاریخی و نمود یافتن عینی خود با آن روبه‌رو شد. آنگاه، از پیچیدگی‌های رابطه سلفیت با حکومت سعودی سخن به میان خواهد آمد که تغییر توازن قوا به سود حکومت در برابر همپیمانان سعودی‌اش آن را پدید آورد و بیان خواهد شد که سلفیان در برابر افزایش قدرت حکومت و سلطه کاسران بر حوزه‌های گوناگون جامعه که تضعیف و کاهش تأثیرگذاری سلفیت در عرصه اجتماعی و سیاسی را در پی داشت، چه واکنش‌هایی نشان دادند؛ زیرا افزایش قدرت حکومت دیگرگرن‌های زنجیروار در ساختارهای قانونی، پیدایش دستگاه‌های اداری و پیش‌گرفتن سیاست‌های توسعه و نو سازی را در پی داشت که با گرایش‌های سنتی جریان سلفیت در تضاد بود. البته موفقیت حکومت در کاستن از سلطه هم‌پیمان دینی آن با تضعیف ایدئولوژیک آن همراه نشد و سلفیت توانست سطح بالایی از حضور در میان مردم را که با اظهار نظرهای سیاسی رسا همراه بود حفظ کند، همچنان که شکست این جریان در عرصه سیاسی عربستان با گسترش جهانی آن جبران شد.

با گذر زمان و رسیدن به نقطه جدایی، سلفیت هسته‌های رویارویی با حکومت سعودی را تقویت کرد تا در مرحله بعد، به یک رویارویی بی‌سابقه با آن برسد. این مواجهه

از خطرات مغفول مانده گفتمان سلفیت پرده برداشت، که نه فقط حکومت سعودی بلکه تمام دنیا را تهدید می کرد. در چنین شرایطی، کاوش در زاویه های گوناگون این گفتمان برای ناکام گذاردن خطرهای آینده آن ضرورتی اجتناب ناپذیر می نماید.